



Safavid Libraries: Continuity and Change in Functions

Mahshid Borjian Borujeni 

Ph.D. candidate, Department of Knowledge and Information Science, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran. E-mail: borjian.mah@gmail.com

Zahra Abazari 

*Coresponding author, Associate Professor, Department of Knowledge and Information Science, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran. E-mail: z_abazari@iau-tnb.ac.ir

Gholamreza Amirkhani 

Assistant Professor, National Library and Archives of Iran, Tehran, Iran. E-mail: amirkhani@nlai.ir

Fereshteh Sepehr 

Assistant Professor, Department of Knowledge and Information Science, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran. E-mail: f_sepahr@iau-tnb.ac.ir

Nadjla Hariri 

Professor, Department of Knowledge and Information Science, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. E-mail: nadjlahariri@gmail.com

Abstract

Objective: The main objective of the research is to study and analyze the function and role of libraries during the Safavid dynasty.

Methodology: According to the nature of the research, a library method based on books, manuscripts, and first-hand (primary) documents, has been used.

Findings: The present study shows that in general, two distinct periods can be considered in the life and function of Safavid libraries. The first period, which is related to the 16th century and the reign of Shah Ismail and part of the time of Shah Tahmasb, is a continuation of the role and function of the 15th century libraries, especially the Timurid libraries in Khurasan, where the main task of libraries is to produce and create exquisite manuscripts using the highest level of book design arts. The second approach was to pay attention to libraries in the position of preserving and maintaining the written works of Shiite scholars and jurists, which is considered a significant change in the role and function of important libraries of this period. In this regard, a fundamental change took place in Shia jurisprudential-theological texts, most of which were written by scholars who had migrated to Iran from the Jabal Amel region of Lebanon. The transfer of the personal libraries of this group of immigrant scholars caused many Arabic works to be transferred to Iran. In addition to this kind of texts, attention to Persian language as the language of writing jurisprudential-religious works and used by the public is one of the other features of this period. In addition to the necessity of the time and the need of the Safavid government to gain legitimacy

and explain the jurisprudence principles of the Shia religion by using the books and treatises that appeared, including authoring, translating, summarizing and rewriting, another factor was also raised, which was: the negative view from some jurisprudential thoughts to the category of painting, which specifically caused Shah Tahmasb to close the art workshop of his royal library in Qazvin. The change of the capital from Qazvin to Isfahan was also formed in a context affected by these developments. In Isfahan, Shah Abbas committed himself to the establishment of the royal library, which was located in the building complex known as Dowlatkhaneh. In addition, he and his great contemporary scholar, Sheikh Bahai, by taking advantage of the tradition of endowment, gave increasing prosperity to the libraries of the holy shrines, which in particular should be the important collections dedicated to the mausoleum of Sheikh Safi in Ardabil and the library of Imam Reza Shrine in Mashhad (Astan-e Quds-e Razavi). Despite the variety of works that later influenced the collection of the Astan-e Quds library, most of the works available in that place and in other libraries of the second Safavid period, were dedicated to religious and jurisprudential texts, which are generally found in the libraries of schools, mosques, and holy shrines or personal collections were kept.

Conclusion: The function and position of libraries during Safavid period can be seen in two different ways. In the first, the continuation of the function of the libraries was like the previous period, in which the main task of the libraries was to create exquisite manuscripts by using the well-known painters, calligraphers, and book designers. In the second stage, more attention was paid to libraries as a place to preserve the written works of Shiite scholars and jurists, which is considered a significant change in the role and performance of important libraries of this period.

Keywords: Safavid, libraries, art of the books, Shi'ite books, endowment

Article type: Research

How to cite:

Borjian Borujeni, M., Abazari, Z., Amirkhani, G., Sepehr, F., & Hariri, N. (2024). Safavid Libraries: Continuity and Change in Functions. *Library and Information Sciences*, 27(3), 91-105.

ARTICLE INFO

Article history:

Received: 15/07/2020

Received in revised form: 25/01/2023

Accepted: 28/05/2023


Available online: 30/11/2024

Publisher: Central Library of Astan Quds Razavi
Library and Information Sciences, 2024, Vol. 27, No.3, pp. 91-105.

© The author(s)




کتابخانه‌های عصر صفوی: تداوم و تحول در رویکردها

مehشید برجیان بروجنی 


دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران. رایانامه: borjjan.mah@gmail.com

زهرا اباذری 


* نویسنده مسئول، دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران. رایانامه: z_abazari@iau-tnb.ac.ir

غلامرضا امیرخانی 

استادیار، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران. رایانامه: amirkhani@nlai.ir

فرشته سپهر 

استادیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران. رایانامه: f_sepahr@iau-tnb.ac.ir

نجلا حریری 

استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. رایانامه: nadjlhariri@gmail.com

چکیده

هدف: بررسی و تحلیل کارکرد و نقش کتابخانه‌ها در دوران حکومت صفویان.

روش پژوهش: با توجه به ماهیت این پژوهش، از روش کتابخانه‌ای مبتنی بر بررسی کتاب‌ها، نسخ خطی و اسناد دست اول استفاده شده است.

یافته‌ها: پژوهش حاضر نشان می‌دهد که دو دوره متمایز در حیات و کارکرد کتابخانه‌های عصر صفوی قابل بررسی است. دوره نخست که مربوط به سده دهم هجری و زمان حکومت شاه اسماعیل و بخشی از زمان شاه طهماسب می‌شود، امتداد نقش و کارکرد کتابخانه‌های قرن نهم و به ویژه کتابخانه‌های تیموریان در خراسان است که در آن، وظیفه اصلی کتابخانه‌ها، تولید و آفرینش نسخ نفیس با بهره‌گیری از عالی‌ترین سطح هنرهای کتاب‌آرایی است. در دوره دوم که زمان شاه عباس و پس از آن را در بر می‌گیرد، به دلایلی چند و از جمله لزوم تدوین آثار دینی - فقهی مذهب تشیع که در جامعه ایران آن روزگار با کمبود مواجه بوده، کتابخانه‌ها و مجموعه منابعشان عمدتاً به سمت گردآوری این گروه از آثار سوق پیدا می‌کند. تحول دیگری که در این مرحله رخ می‌دهد، مطرح شدن زبان فارسی به عنوان زبان نگارش متون مذهبی برای استفاده عموم افراد جامعه ایران است.

نتیجه‌گیری: کارکرد و جایگاه کتابخانه‌ها در دو قرن حکومت صفویان را در دو مرحله متفاوت می‌توان مشاهده کرد. در مرحله نخست، تداوم کارکرد کتابخانه‌ها بسان دوره گذشته بود که در آن وظیفه اصلی کتابخانه‌ها، آفرینش نسخه‌های خطی نفیس با بهره‌گیری از سرآمدان عرصه‌های نگارگری و خوشنویسی و کتاب‌آرایی بود. در مرحله دوم توجه به کتابخانه‌ها بیشتر به عنوان جایگاه حفظ و نگهداری آثار مکتوب علما و فقهای شیعه بود که تحولی محسوس در نقش و عملکرد کتابخانه‌های مهم این دوره به شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: صفویان، کتابخانه‌ها، کتاب‌آرایی، متون شیعی، وقف

نوع مقاله: پژوهشی

استناد:

برجیان بروجنی، مهشید؛ اباذری، زهرا؛ امیرخانی، غلامرضا؛ سپهر، فرشته؛ حریری، نجلا (۱۴۰۳). کتابخانه‌های عصر صفوی: تداوم و تحول در رویکردها. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۳۷(۳)، ۹۱-۱۰۵.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۵ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۱/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۹/۱۰

ناشر: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۴۰۳، دوره ۲۷، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۰۷، صص. ۹۱-۱۰۵.

© نویسندگان



مقدمه

از سده‌های نخستین اسلامی، کتابخانه به عنوان نهادی مؤثر در خدمت طالبان و جویندگان علم و دانش به شمار می‌رفت. این نهاد مهم فرهنگی در مراکز مختلفی نظیر مسجد، مدرسه، بیمارستان، خانقاه و نهایتاً دربار پادشاهان دیده می‌شد. در سرزمین پهناور ایران هم تا اواخر قرن ششم هجری از کتابخانه‌های متعددی نام برده شده که بسیاری از آن‌ها جنبه عمومی داشت و ذیل مساجد و مدارس فعالیت می‌کرد. دسته دیگری از کتابخانه‌ها، مجموعه‌های شخصی بود که به دانشمندان و عالمان تعلق داشت.

با یورش سپاهیان چنگیز به ایران، تأثیرات ویرانگر جبران‌ناپذیری بر فرهنگ و آثار مکتوب ایران‌زمین وارد آمد. بسیاری از مساجد و مدارس از بین رفت و کتابخانه‌های آن‌ها، که اغلب در خراسان و ماوراءالنهر قرار داشت، در آتش سوخت و نابود شد. پس از آن، حمالت هوالکو به شهرهای گوناگون موجب نابودی و غارت قسمت دیگری از کتابخانه‌های کشور گردید که بخشی از آن‌ها توسط وزیران و رجال کاردانی چون: عظاملک جوینی، خواجه نصیرالدین طوسی و بعدها خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی؛ از نابودی نجات یافت و به کتابخانه‌های دیگر منتقل گردید. در طی این سال‌ها تلاش‌هایی برای احداث کتابخانه‌هایی از نوع پیش از حمله مغول دیده می‌شود؛ از آن جمله تاج‌الدین علی‌شاه، وزیر سلطان اولجایتوی ایلخانی، مسجدی بزرگ در تبریز بنا کرد که به نام وی خوانده می‌شد و کتابخانه‌ای بزرگ و معتبر داشت. موقوفه ربع رشیدی در شمال شرق تبریز هم کتابخانه مجهزی داشت که مقررات امانت و استفاده از منابع آنجا در وقفنامه آورده شده است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۰، ص. ۱۸۹). یورش مغول و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن، بر نقش و کارکرد کتابخانه‌ها به عنوان نهادی فرهنگی نیز تأثیرگذار بود. به بیان دیگر، نمی‌توان فضای کلی حاکم بر کتابخانه‌های این عصر را با دوران طلایی فرهنگ و تمدن اسلامی در سده‌های سوم و چهارم هجری مقایسه کرد. کتابخانه‌های قرون سوم و چهارم هجری که در سراسر سرزمین‌های اسلامی گسترانیده شده بود، اغلب کارکردی بسان کتابخانه‌های عمومی داشت و معمولاً در مراکزی چون مساجد و مدارس و حتی بیمارستان‌ها جای گرفته و محلی برای تردد اهل علم و طالب بود. امانت کتاب از این دسته از کتابخانه‌ها امری رایج به شمار می‌آمد. آن‌طور که مؤلف معجم البلدان در قرن ششم نقل می‌کند، او همزمان دوپست کتاب از کتابخانه‌های مرو به امانت گرفته بود بدون پرداخت وجه الضمان و اگر حمله غزان رخ نمی‌داد، آن را هیچ وقت ترک نمی‌کرد (یاقوت حموی، ۱۳۴۴، ج ۱، ص. ۵۰۹). ولی کتابخانه‌ها پس از حمله مغول به تدریج کارکردی متفاوت یافت و اغلب به کاخ‌ها و دربار شاهان و شاهزادگان منتقل شد. بسیاری از کتاب‌ها در قالب کالایی ارزشمند و صاحب ویژگی‌های هنری در کتابخانه‌های سلطنتی پادشاهان تولید و استنساخ می‌شد. این روند به طرز کاملاً مشهودی در عصر تیموریان به اوج خود رسید. از همان آغاز قرن نهم نه تنها در هرات پایتخت، بلکه در سمرقند و اصفهان و شیراز، نوادگان تیمور مانند الغ بیگ و اسکندر سلطان و ابراهیم سلطان، به آفرینش نسخه‌های مصور و مذهب که از حیث هنری هر یک شاهکاری محسوب می‌شد، همت گماشتند.

همزمان با تیموریان، دولت‌های دیگری چون جالیریان و آق قویونلو و قره قویونلو که در قرن نهم و اواخر قرن هشتم قدرت داشتند، از قافله هنرهای کتاب‌آرایی و تملک نسخه‌های نفیس و ایجاد کتابخانه‌های درباری غافل نبودند. شاهکارهای هنری نظیر دیوان سلطان احمد جالیر و یا مرقع سلطان یعقوب آق قویونلو که محصول کتابخانه‌های سلطنتی این حکومت‌هاست، نمونه‌ای از حضور و تداوم این سنت در سراسر کتابخانه‌های سلطنتی قرن نهم است.

سال‌های آغازین قرن دهم هجری که مصادف با قرن شانزدهم میلادی است و به طور دقیق‌تر سال ۹۰۷ ق. مقارن با شروع حکومت مهم و مقتدر صفویان بود که بیش از دو قرن بر تمام سرزمین ایران به صورت یکپارچه و متمرکز فرمانروایی کردند. ظهور این سلسله که با اقدامات متهورانه بنیانگذار آن شاه اسماعیل صفوی امکان‌پذیر شد، تأثیرات دیرپا و عمیقی را بر جامعه، سیاست، فرهنگ و روابط خارجی ایران گذاشت.

کتابخانه‌های عصر صفوی: تداوم و تحول

۱. تداوم

طبیعی است که مکاتب و جریان‌های مختلف علمی و ادبی و هنری، یک شبه پدیدار نمی‌شوند و به قولی علم همیشه بر دوش پیشینیان ایستاده است.^۱ بر این اساس آنچه که در کتابخانه‌های عصر صفوی در دو سده دهم و یازدهم هجری، مصادف با قرون شانزده و هفده میلادی، رخ داد را تنها با نگاهی به ادوار پیشین می‌توان تحلیل کرد. همان گونه که در مقدمه اشاره رفت، در ایران در قرن نهم هجری و به طور اخص، دربار تیموریان در هرات، شاهد اوج‌گیری و اعتلای هنرهای کتاب‌آرایی و نسخه‌پردازی هستیم که اهمیت دوچندانی برای کتابخانه‌ها در پی داشت. در این فضا، علاوه بر کارکردهای مرسوم برای کتابخانه به عنوان مکانی برای گردآوری، محافظت و ارائه کتاب‌ها و آثار مکتوب، ویژگی دیگری را نیز باید برشمرد: محلی برای خلق، آفرینش و استنساخ نسخه‌های نفیس که این ویژگی موجب شد کتابخانه‌ها مکان اصلی پیدایش و نضج مکاتب هنری در عرصه نگارگری، خوشنویسی، جلدسازی، تذهیب و کاغذسازی باشد.

کتابخانه‌های صفوی از همان آغاز و در قرن دهم هجری، به پیروی از اسالف خود در قرن نهم، خصوصیات این گونه داشتند و به بیان دیگر، ادامه‌دهنده راه و روش کتابخانه‌های تیموری بودند. به طور مشخص، در این زمینه باید از دو مکتب هنری در دو پایتخت نخست صفویان، یعنی تبریز و قزوین یاد کرد.

الف. تبریز

شاه اسماعیل که تبریز را به عنوان پایتخت خود برگزیده بود و فرزندش، طهماسب از مقام و منزلت کمال‌الدین بهزاد کاملاً آگاه بودند. به همین دلیل بود که بهزاد شیوه نقاشی تیموری را در کتابخانه سلطنتی سلطان حسین بایقرا در هرات متحول ساخته بود و

۱. پروفیسور یوشیفو سه کی در چند مقاله این مرقع را به طور دقیق معرفی کرده است. از جمله در شماره ۱۳ و ۱۴ مجله بهارستان

۲. نقل قول مشهوری از اسحاق نیوتن: Standing on the shoulders of giants

به فهرست بزرگان کتابخانه سلطنتی تبریز افزوده و نهایتاً حکم ریاست کتابخانه به نام او صادر شد. این کتابخانه که هنرمند برجسته‌ای چون سلطان محمد تبریزی هم در آن به عنوان کتابدار مشغول فعالیت بود، پایه‌گذار سبک کاملاً متمایزی از ترکیب دو مکتب هنری آق‌قویونلو در تبریز و تیموری در هرات شد. شاهکار بی بدیل این مکتب جدید، نسخه چشم‌نوازی از *شاهنامه* بود که تاریخ کتابت آن به نیمه نخست قرن دهم باز می‌گردد و به شاهنامه شاه طهماسبی معروف است. پس از فوت بهزاد، ریاست کتابخانه بر عهده سلطان محمد گذاشته شد.

ب. قزوین

با انتقال پایتخت به قزوین، شکوه کتابخانه سلطنتی تا حدودی به آن بازگشت، زیرا برای نقاشی بر روی دیوار کوشک‌های دولتخانه نوساز قزوین به آن احتیاج بود. این مسئله خود زمینه‌ساز تحولی در عرصه نگارگری ایرانی بود که در دوره بعدی نمود بیشتری یافت. در واقع نگارگری ایرانی که تقریباً محدود به هنر کتاب‌آرایی می‌شد، محمل دیگری برای عرضه یافته بود که اوج آن را در سده بعد و در اصفهان شاهد هستیم. تقدیر این گونه بود که در این دوره رونق در عرصه نقاشی، چندان نیابد. چرا که انتقال رسمی دربار به قزوین و امضای عهدنامه صلح آماسیه با عثمانی‌ها، با یک تصمیم بسیار مهم دیگر توأم شد. این تصمیم همان توبه شاه طهماسب در سال ۹۶۴ ق. از مناهمی و منکرات بود که رقص، موسیقی، شراب، لواط و متأسفانه نقاشی را نیز در بر می‌گرفت (منشی قمی، ج ۱، ص. ۲۲۵). توبه نصوص شاه طهماسب که در تذکره اش همچون تصویری از تقوای شخصی شاه ترسیم شده است، تقابل آشکاری با باطنی‌گری و صوفی‌گری پدرش، شاه اسماعیل و قزلباشان و حامیان سرسپرده او داشت و بر تقدم شریعت اسلامی که مورد حمایت جمیع علما و مجتهدان امامی بود، تأکید می‌کرد. همچون اصفهان، شهر قزوین بر اساس این فرض مفهوم‌سازی شده بود که این طهارت معنوی نقطه شروع سیاسی- مذهبی دیگری برای سلسله صفوی خواهد شد (بابایی، ۱۳۹۸، ص. ۹۹). این رویداد سبب شد که طهماسب از حمایت‌های گسترده خود از کتابخانه باشکوهش دست بکشد. مهم اینجاست که وی خود نقاش و خوشنویس زبردستی بود و باید او را از مشتاق‌ترین و باذوق‌ترین حامیان هنرهای مرتبط با کتاب و در ردیف بایسنغر میرزای تیموری در تاریخ ایران دانست.

البته حمایت از هنر و ادبیات تنها محدود به شخص شاه نبود؛ افراد دیگری از خاندان سلطنتی هم به طرق مختلف نقش‌آفرین بودند. برای نمونه دختر شاه طهماسب، یعنی پریخان خانم، حامی شعر و ادبیات و خوشنویسی بود و خود دستی در این امور داشت (گل‌سرخ، ۱۹۹۵، ص. ۱۴۷). ظاهراً فروکش کردن ذوق و شوق شاه طهماسب برای کارهایی که در کتابخانه تولید می‌شد به طرز تناقض‌آمیزی روند شکوفایی سایر مراکزی را که در امر تولید کتاب مشغول بودند شتاب بیشتری بخشید که کارگاه‌های رقابتی و بازار محور شیراز از جمله مهمترین آن‌ها بودند.

به بیان دیگر، این تمرکززدایی ناخواسته از هنرهای کتاب‌آرایی، باعث متفرق شدن استادان این رشته در نواحی دیگری چون فارس شد که خواسته اصلی‌شان، کسب درآمد بیشتر بود. واقعیت تأمل‌برانگیز دیگر، فقدان یا کم‌رنگ بودن آثار مصور تاریخی است. به ویژه، زمانی که این وضعیت را با دوره مشابه در قرن نهم و در قلمروی تیموریان مقایسه کنیم، متوجه تفاوت محسوسی خواهیم شد. دقیقاً معلوم نیست

چرا در کتابخانه‌های اسماعیل و طهماسب در تبریز و قزوین، علاقه‌ای به آفرینش نسخ مصور تاریخی وجود نداشته است. موارد معدودی هم که از سده دهم هجری برجای مانده، عمدتاً مربوط به *ظفرنامه* شرف الدین علی یزدی و *روضه الصفای* میرخواند است که هر دو از متون تاریخی مهم عصر تیموری محسوب می‌شود نه صفوی (ملویل، ۲۰۱۱، ص. ۱۸۵).

۲. تحول

تعطیلی کتابخانه معظم شاه طهماسب، افت قابل توجهی را در روند هنرهای کتاب آرایی پدید آورد. با وجود آن که دوران طولانی و مقتدرانه حکومت شاه عباس اول، زمینه مساعدی برای ظهور کتابخانه‌های پیش‌گفته را فراهم ساخته بود، ولی آن رونق و شکوه دیگر دست‌یافتنی به نظر نمی‌رسید. کتابخانه‌های عصر شاه عباس و خصوصاً سده پایانی حکومت صفویان، به جمع‌آوری و تولید آثار دیگری رو آوردند. علاوه بر گسترش و فراگیری آثار شیعی در نیمه دوم صفویان که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، سایر موضوعات هم به سبب توجه کمتر به جنبه‌های هنری، مورد استقبال قرار می‌گرفت. گزارش تامس هربرت^۱ از سیاحان انگلیسی که در زمان مرگ شاه عباس اول در ایران بود و شرح سفر خود را حدود چهار سال بعد و پس از بازگشت به لندن منتشر ساخت، جالب توجه است. وی ضمن اشاره به وضعیت علم پزشکی، در مورد کتاب‌های علمی موجود در کتابخانه‌ها می‌نویسد:

«تا آنجا که توانستیم بفهمیم این‌ها علوم را یاد می‌گیرند و معدودی از آن‌ها فیلسوف هستند. با وجود این کتابخانه آن‌ها کوچک است؛ کتاب‌های آن‌ها اغلب به زبان عربی، ولی فشرده و مفید است و همواره موجب پیشرفت علم و عمل آن‌ها می‌شود. گمان می‌کنم که آن‌ها گیاهان و سایر سبزیجات را به کانی‌ها ترجیح می‌دهند ... آن‌ها استاد علوم و حکیم هستند و کمترین علاقه‌ای به نجوم و هیأت ندارند. تعدادی از نویسندگان، عربی، فلسفه طبیعی و ریاضیات را یاد می‌گیرند و در این علوم شاخص می‌شوند و اکثر کتاب‌هایی که آن‌ها می‌خوانند عبارتند از: آثار بقراط، جالینوس، ابن رشد، فارابی، ابن سینا، ابن اسحاق، ابوعلی، محمد عبدهل، ابن ادیب، ابوالبر، رازی، غزالی و ابو معشر» (تاریخ ایران، ۱۳۸۰، ص. ۲۸۰).

در علم ریاضیات هم آثار متعددی امروزه به دست ما رسیده که عموماً برای استفاده در کتابخانه‌های مدارس و حوزه‌های علمیه استنساخ شده است. تنها بیش از پانزده رساله مربوط به ریاضیات توسط شیخ بهایی و بستگان و شاگردان او تألیف شد. این گروه از علما عبارت بودند از: عبدالصمد، برادر بهایی، نوه او به نام حسین بن عبدالصمد و شاگردان او به نام‌های نجیب‌الدین، علی بن محمد جلیلی عاملی و جواد بن سعد عاملی. از بین آثار متعدد خود شیخ بهایی، باید به کتاب *بحر الحساب* اشاره کرد که جامع‌ترین اثر ریاضی اوست و خالصه آن به نام *خالصه الحساب* به یک متن درسی مهم تبدیل گردید که تا چند قرن در مدارس ایران تدریس می‌شد.

ترسیم فضای حاکم بر تألیف و تصنیف آثار در میانه عصر صفوی با استناد به آثار فوق، نشان‌دهنده مسئله مهم دیگری است: رواج و رونق استنساخ نسخ فوق‌الذکر در مراکز علمی، حوزه‌های علمیه، مدارس، مساجد و کتابخانه‌ها. به بیان دیگر، کتابخانه‌های این دوره مملو از آثار فقهی، حدیثی و سایر علوم بود که می‌توانست جنبه درسی داشته باشد؛ نظیر نجوم و ریاضیات و طب. برای نمونه، یک

بررسی مختصر از نسخه‌های نوشته شده از *خالصه الحساب* نشان می‌دهد که تنها در کتابخانه‌های ایران، ۵۶۱ نسخه از این اثر شیخ بهایی نگهداری می‌شود که از این تعداد، بیش از دویست نسخه تنها در عصر صفوی کتابت شده است (درایتی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ذیل مدخل). ولی تحول اساسی در متون فقهی- کلامی شیعه صورت پذیرفت. می‌دانیم که در نخستین روزهای تشکیل دولت صفوی، مذهب شیعه امامی به عنوان مذهب رسمی حکومت پذیرفته و اعلام شد. تشیع خاندان شیخ صفی، از هر زمان که بوده باشد، در آغاز تشیعی فقهاتی و علمی نبود و افزون بر نبودن عالمان و دانشوران برجسته شیعی، آثار و کتاب‌های فقهی شیعه در دسترس آن‌ها قرار نداشته است. بلافاصله پس از روی کار آمدن صفویه، مهاجرت علما و دعوت از آن‌ها آغاز شد. در کنار مهاجرت علما؛ آثار، نوشته‌ها و چه بسا کتابخانه‌های شیعی نیز از مناطق عربی راهی ایران شد و عامل مهمی در ایجاد تحول مذهبی گشت. باید اذعان کرد از جمله نتایج مهم تکاپوهای علمی و سیاسی علمای عصر صفوی، گسترش زبان فارسی برای ترویج مذهب شیعه بود. این ضرورت را که عالمان عصر صفوی به خوبی دریافته بودند، آل بویه متوجه نشدند. یعنی مذهب شیعه علمای زمان برای مثال در ناحیه فارس، ری و همدان بود که برای رشد و گسترش، نیاز به متون فارسی داشت تا آحاد جامعه توان بهره‌گیری از آن را داشته باشند. ضمن آن که محتوای آثار هم باید به زبان ساده‌تر نوشته می‌شد تا مردم آن‌ها را بفهمند. برای تبیین بهتر موضوع به شخصیت برجسته عصر دیلمیان، یعنی صاحب بن عباد اشاره می‌کنیم که حتی یک کتاب به زبان فارسی ننوشت. این معضل و کمبود را علمای عصر صفوی و در رأس ایشان، محمدباقر مجلسی به فراست دریافتند و بسیاری از آثارشان را به زبان فارسی نوشتند. نثر نوشتاری مجلسی هم بسیار روان و سلیس است، حتی ساده‌تر از متون دینی دوره قاجار. در کنار این ویژگی، کار مهم دیگری را علمای عصر صفوی صورت دادند که عبارت بود از: گردآوری آثار پراکنده شیعه از سراسر جهان اسلام و تدوین و ترجمه و تلخیص آن‌ها.

به نظر می‌رسد از همان آغاز، نخستین عالمان عهد صفوی مخصوصاً مهاجران از جبل عامل، دانش مذهبی مورد نظر خویش را از طریق تألیف آثار فقهی و اعتقادی ساده شده، رساله‌های مختصر و تألیفات همه‌پسند در میان توده مردم ایرانی پخش کردند. چرا که کمبود منابع و متون شیعی با وجود برخی اختلاف‌نظرها بین پژوهشگران، در مجموع امری پذیرفته شده است. عدم وجود آثار شیعی در ابتدای تشکیل دولت صفوی مورد توجه مورخی چون حسن روملو در کتاب *احسن التواریخ* نیز قرار گرفته است. وی که از مورخان دوره نخست صفویان به شمار می‌رود، می‌نویسد تنها کتاب فقه شیعی که در تبریز عهد شاه اسماعیل یافت شد، نسخه‌ای از آثار علامه حلی بود که در کتابخانه شخصی قاضی نصرالله زیتونی نگهداری می‌شد:

در آن اوان، مردمان از مسائل مذهب حقه جعفری و قواعد و قوانین ملت ائمه اثنی عشری اطالعی نداشتند؛ زیرا که از کتب فقه امامیه چیزی در میان نبود و جلد اول از کتاب قواعد اسلام (قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام) که از جمله تصانیف سلطان العلماء المتبحرین شیخ جمال‌الدین مطهر حلی است که شریعت پناه قاضی نصر اهلل زیتونی داشت، از روی آن تعلیم و تعلم مسائل دینی می‌نمودند، تا آن که روز به روز آفتاب حقیقت مذهب اثنی عشری ارتفاع پذیرفت و اطراف و اکناف عالم از اشراق لوامع طریق تحقیق از مشارق منور گردید (روملو، ۱۳۸۴، ج ۲، ص. ۸۷).

هر چند نمی‌توان نظر روملو را به صورت کامل و برای کل ایران پذیرفت و داده‌های موجود در آثاری چون ریاض العلماء، صحت آن را با چالش مواجه می‌سازد (جعفریان، ۱۳۷۷، ص. ۲)، ولی نیاز مبرم زمامداران صفوی به متون شیعی جدید کاملاً منطقی به نظر می‌رسد. در این فضا و در حالی که برخی از شهرهای ایران که جایگاه سنتی تشیع بود، نظیر قم، کاشان، استرآباد و احياناً ری و بخش‌هایی از عراق عجم، محلی برای استنساخ کتاب‌های دینی به شمار می‌آمده، ولی تحول اساسی با راه یافتن آثار مؤلفان شیعی جبل عامل به ایران سبزوار، تحکیم پایه‌های تشیع فقهاتی در این دیار شد. از یک سو، انتقال کتابخانه‌های فقهی شیعه رخ داد که سبب شخصی این گروه از عالمان مهاجر موجب شد آثار متعددی به زبان عربی به ایران منتقل شود. در کنار آن، زائران عتبات هم در بسیاری از اوقات، نسخه‌هایی را در عتبات عالیات خریداری کرده، به ایران می‌آوردند. این مطلب از یادداشت‌های تملکی که در پشت کتاب‌ها نوشته شده، به دست می‌آید. در بین متون عصر صفوی، جامع‌ترین اطلاعات را می‌توان از کتاب مرجع *ریاض العلماء و حیاض الفضال* تألیف میرزا عبداله‌الله افندی، از شاگردان محمدباقر مجلسی به دست آورد. وی با کوششی در خور تحسین و به مدت ده‌ها سال، شهر به شهر و کتابخانه به کتابخانه، در پی یافتن کتاب‌های شیعی بوده است.^۱ در درجه بعد باید به کتاب‌هایی اشاره کرد که از عصر صفوی یا پیش از آن به یادگار به دست ما رسیده و محتوی آگاهی‌های مهمی در حیات و سیر تاریخی هر نسخه خطی است. با توجه به آنچه افندی نقل می‌کند، باید پذیرفت بیشتر نسخه‌های کهن که در سال‌های نخست دوره صفوی از سوی علمای مهاجر به ایران آمده، در اردبیل نگهداری شده و به احتمال قوی در کتابخانه بقعه شیخ صفی بوده است. افندی درباره بسیاری از این نسخه‌ها تصریح می‌کند که آن‌ها را در اردبیل دیده است. برای نمونه از نسخه‌ای از کتاب *الطارقیه* تألیف ابن خالویه یاد کرده که تاریخ کتابت آن سال ۵۶۱ ق. بوده است (افندی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص. ۲۴). مقصد بعدی این گروه از نسخه‌ها، تبریز بوده است. بنا بر نقل افندی، خود او نسخه‌های متعددی را فقط به خط شیخ علی بن منصور بن حسین مزیدی دیده بوده است. از آن جمله: *استبصار* شیخ طوسی با تاریخ کتابت ۸۷۷ ق. در روستای خسروشاه تبریز، *عیون اخبار الرضا (ع)* در روستای دهخوارقان تبریز و جلد پنجم *تذکره الفقها* در خود تبریز (افندی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص. ۲۶۹). هرات ناحیه مهم دیگری است که با وجود سنی بودن اکثر اهالی شهر، تکاپوهای نخستین علمای شیعه عصر صفوی در آن دیار قابل توجه است. از آن جمله باید به حضور پرنگ و مؤثر حسین بن عبدالصمد حارثی (پدر شیخ بهایی) اشاره کرد. خوشبختانه نسخه‌ای از *شرح الفیه* شهید اول به شماره ۲۴۸۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی وجود دارد که وی در سال ۹۸۱ ق. و در زمان اقامت در *برالفیه* به خط حارثی شهر هرات کتابت کرده است. عبارت افندی در وصف یکی از نسخه‌های شرح چنین است:

وله شرح علی ألفیه الشهید فی فقه الصاله، ممزوج مع المتن، مبسوط، رأیته فی أمل من بالذ مازندران و غیرها و هو موجود بإصبهان عن الفاضل الهندی أيضاً. قد فرغ من تألیفها فی بلده هراه فی أواخرال شهرالول (محرم) من السنه‌ الأولى من العشر التاسع بعدالتسعمائیه ۹۸۱ (ق.). افندی بعدها در سفری که به هرات داشته در کتابخانه شخصی به نام مالرضی نسخه‌ای شیعی دیده که آن نیز شرح برالفیه شهید بوده و چنین می‌نویسد:

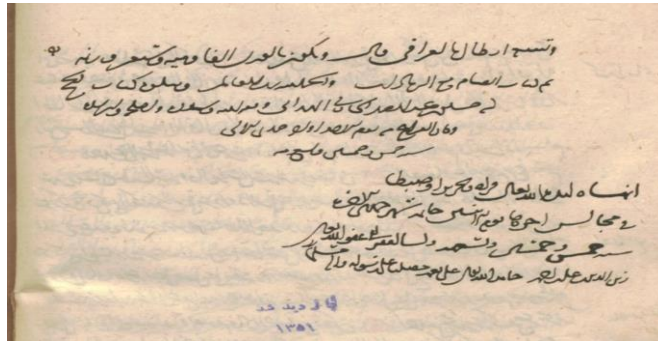
۱. علاوه بر چند چاپ از متن عربی *ریاض العلماء*، ترجمه فارسی آن هم چند سالی است که توسط محمدباقر ساعدی انجام و در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی منتشر شده است.

ورایت فی بلدة هراة فی کتب مالرضی من مؤلفاته شرح *اللفیه الشهدیه*، وقد ناقش فیہ مع الشیخ علی الکرکی و الشهد الثانی مع الشهد الأول ایضاً (رحمتی، ۱۳۹۶، ص. ۲۰۶-۲۰۷). حوزه موضوعی دیگری که در زمان شاه عباس مورد توجه ویژه قرار گرفت، احادیث و روایات اهل بیت (ع) بود که با علاقه و اهتمام فزاینده‌ای از جانب عالمان عصر دنبال می‌شد. در حالی که در دوران شاه اسماعیل و شاه تهماسب، علاقه چندانی به گردآوری احادیث وجود نداشت. شیخ بهایی، میرداماد و احمد بن زین العابدین علوی که بیشتر به نام احمد علوی مشهور است و شاگرد و برادر زن میرداماد بود، هر یک آثاری درباره حدیث شیعه تألیف کردند. شیخ بهایی گزیده‌هایی از نگاشته‌های فقهی مانند *الحبل المتین فی احکام الدین و مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین* تألیف کرد که رواج گسترده‌ای یافت؛ همچنین در عهد شاه عباس بود که ترجمه جدیدی از *اصول کافی* کلینی به زبان فارسی انجام شد؛ اما فراگیرترین اثر فقهی، کتاب جامع عباسی تألیف شیخ بهایی بود که وی آن را به دستور شاه عباس و به زبان فارسی تألیف کرد. این کتاب در بردارنده مطالبی درباره مناسک اسلامی، تاریخ دقیق تولد و فوت ائمه، وقف، امور حسبه، بیع، احوال شخصیه، نذورات و حدود است. شاه عباس در اقدامی آگاهانه و به منظور گسترش تشیع در جامعه ایرانی دستور داد تا این کتاب به زبانی واضح و به شیوه‌ای جامع نوشته شود تا همگان، اعم از اهل علم و توده مردم بتوانند از آن بهره‌مند شوند. بر خلاف کتاب‌های تخصصی علما، آثاری که به دستور شاه عباس تألیف می‌شد، اغلب درونمایه و هدفی ناظر به شرایط اجتماع داشت. در همین زمینه باید به تدوین کتاب جامع عباسی اشاره کرد که اتفاق مهم و در واقع ابتکاری از جانب حاکمیت صفوی در راستای فراگیر کردن فقه شیعه بود. اقدامی کاملاً هوشمندانه با در نظر گرفتن انسجام هر چه بیشتر میان جامعه متنوع و متکثر ایران عصر صفوی. بدون شک محوریت این وظیفه بر دوش زبان فارسی بود. اتفاقی تقریباً نادر که پیش از آن چندان سابقه نداشت.

علمای عهد صفوی تا اواخر سده یازدهم هجری کوشش زیادی برای فراهم آوردن مجموعه‌های مختصر حدیث و شروح آن‌ها به عمل آوردند. این کار مخصوصاً بر اساس متن کامل یا کتابچه گزیده‌هایی از آثار اصلی مذهب شیعه و در رأس آن‌ها کتب اربعه یعنی اصول کافی کلینی و من الیحضره الفقیه شیخ صدوق و تهذیب و استبصار شیخ طوسی انجام می‌شد. از نخستین تلاش‌ها در این زمینه باید به نسخه مهمی از کتاب *تهذیب // احکام* شیخ طوسی اشاره کرد که حسین بن عبدالصمد حارثی، پدر شیخ بهایی، در سال ۹۵۵ ق. کتابت کرده و در حال حاضر با شماره ۹۷۹ در کتابخانه و موزه ملی ملک نگهداری می‌شود (تصویر ۱).

به طور خلاصه می‌توان گفت: ایده حکومتداری شاه عباس برای دنیایی مسئول، منظم و منجسم که در قالب احکام و فتواها تجلی داشت، نشان‌دهنده استفاده از فقه اسلامی بود که آن هم در وهله نخست، منوط به در دسترس بودن آثار فقهی و متون احکام برای همگان می‌شد. عالمان شیعی عصر، وظیفه خود را در این راستا به خوبی انجام دادند. این وظیفه شامل تألیف، ترجمه و بازنویسی آثار مهم و مرجع شیعی می‌شد که همگی به زبان عربی نگاشته شده بود. نمونه‌های متعددی از موضوعات محل مناقشه نظیر حرمت ذبائح اهل کتاب در کنار سایر مباحث مربوط به عبادات و مناسک مذهبی، محتوای متون جدید را تشکیل می‌داد. این فرایند منجر به پیدایش روندی تقریباً فراگیر شد که هر چند در قالبی غیرمتمرکز و پراکنده و توسط شبکه‌ای از طلاب و شاگردان

مدارس مذهبی و مساجد جامه عمل به خود پوشید و به سبب حمایت طبقات بالای جامعه و ساختار حکومتی، از موفقیت قابل توجهی برخوردار شد.



تصویر ۱. انجامة نسخه‌ای از تهذیب الحکام شیخ طوسی به خط عبدالصمد حارثی به تاریخ ۹۵۵ ق. موجود در کتابخانه ملک

پایتخت جدید صفویان و آغاز دوره جدید حیات کتابخانه‌ها

شاه عباس با توجه به علاقه فراوانی که به اصفهان داشت، در سال ۱۰۰۶ ق. پایتخت خود را از قزوین به این شهر منتقل کرد. تاریخ‌نگاران ایرانی و غیرایرانی، عواملی همچون: حاصلخیزی و داشتن آب و هوای خوب، واقع بودن در مرکز ایران، دور بودن از مرزهای کشور و به خصوص از عثمانی، سهولت نقل و انتقال نیروی نظامی به مناطق مختلف ایران و مرزهای آبی جنوبی را از دلایل انتقال پایتخت به اصفهان دانسته‌اند. مؤلف تاریخ عباسی ذیل وقایع سال ۱۰۰۶ ق. در این باره چنین می‌نویسد:

«در اواسط رجب این سال، اکثر ملازمان شاهی به اصفهان رفتند و مقر سلطنت اصفهان شد به سبب استیلای اوزبکیه که هر روز تاخت به الکای یزد می‌آوردند و به حوالی کاشان تا آران و بیدگل تاخت می‌آوردند... در اوایل جمادی الاول نزول اجلال در اصفهان واقع شد» (منجم یزدی، ۱۳۶۶، ص. ۱۶۱).

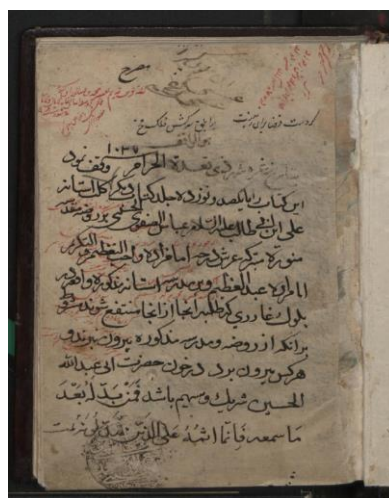
در تاریخ عالم آرای عباسی نیز چنین آمده:

«چون از اقتضای زمان، معظم بلاد خراسان که ممدوح جمهور سخنوران روزگار است به دست اوزبکیه درآمد بود، حضرت اعلی همواره استرداد آن را پیشنهاد همت ساخته، هرگز از فکر و اندیشه آن غافل نبودند. علی‌الخصوص مشهد مقدس معلی و آستان ملک آشیان حضرت امام الجن و الانس که زینت افزای هرات که مولد و منشا آرایش دیباچه سلطنت این دودمان ولایت نشان است و دارالسلطنه هرات که مولد و منشا و محل نشو و نمای آن حضرت است. اما به مقتضای الامور مرهونه باوقاتها، صورت این مدعا در پرده خفا مستور بود» (اسکندر منشی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص. ۸۷۶).

با تغییر پایتخت، بیشتر رجال حکومتی، درباریان، علماء، هنرمندان، شعرا و موسیقیدانان از قزوین و نواحی دیگر، خصوصاً خراسان، به اصفهان رفتند و بدین ترتیب، دوران رشد و شکوفایی این شهر آغاز شد. بر مبنای توصیفات برخی سیاحان اروپایی و با توجه به ساختار اداری دوره شاه عباس، کتابخانه سلطنتی در مجموعه دولتخانه واقع بوده است. دولتخانه مجموعه‌ای بود در حد فاصل بین که متشکل از کاخ‌ها، کوشک‌های تفریحی، منازل دو مرکز اصلی شهر - میدان و چهارباغ - مسکونی، ساختمان‌های اداری، طویله‌ها، مطبخ‌ها،

و کارخانه‌های شاهی قرار داشت که چندین باغ و استخر و حوض تزئینی آن‌ها را احاطه کرده بود. دولتخانه، مرکز فیزیکی پایتخت جدید امپراتوری بود و به واسطه دروازه‌ها و تقسیم‌بندی‌های مختلف با محیط شهری و بیرونی تماس داشت (بابایی، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۳).

موضوع مهم دیگری که بنا بر اسناد برجای مانده، نقش بی‌بدیلی در رونق و حیات کتابخانه‌های دوره دوم صفویه داشته، مسئله وقف و نهادهای وقفی است. اهتمام شاه عباس به ویژه در وقف کتاب بر مشاهد مشرفه و بقاع متبرکه مشهود است. وی در بیستمین سال سلطنتش، مجموعه‌ای از نسخ مهم و ارزشمند موجود در کتابخانه سلطنتی را وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع) و بقعه شیخ صفی در اردبیل کرد. همچنین، در سال ۱۰۳۷ ق. یکصد و بیست نسخه را وقف حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) در ری کرد که گمان می‌رود وقفنامه‌ها به خط خود او باشد (تصویر ۲).



تصویر ۲. وقفنامه شاه عباس در ابتدای نسخه‌ای از فرهنگ لغت معیار جمالی در کتابخانه آستان حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)

به نظر می‌رسد شاه عباس شخصاً بر موضوع کتاب‌های وقفی نظارت داشته چرا که کتاب‌های دینی در موضوعات فقه، تفسیر و حدیث را وقف کتابخانه رضوی نمود و آثار مرتبط با ادبیات و تاریخ را به بقعه شیخ صفی اهدا کرد. مؤلف عالم آرای عباسی این واقعه را چنین بیان کرده است: در کتابخانه شریفه آنچه مصاحف و کتب عربی و علمی بود از فقه و تفسیر و حدیث و امثال ذلک وقف سر کار حضرت امام ثامن ضامن ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه الصلوات و السلام فرموده به آستانه مقدسه فرستادند و آنچه کتب فارسی بود از تواریخ و دوانین و مصنفات اهل عجم وقف آستانه متبرکه صفیه صفویه فرموده (اسکندر منشی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص. ۷۶۱). اقدام شاه عباس در وقف بر روضه رضویه، توسط سایر شاهان و شاهزادگان صفوی و همچنین علما و مجتهدان ادامه یافت. از جمله شاه سلطان حسین و شیخ بهایی که بر طبق برخی نسخه‌های موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی، وقفنامه نسخه‌های اهدایی شاه عباس به دست شیخ بهایی نگاشته شده است. شاگرد برجسته شیخ بهایی، ابن خاتون عاملی هم از شخصیت‌های برجسته عصر بود که حدود ۴۰۰ نسخه را در سال ۱۰۶۷ ق. بر کتابخانه آستان وقف کرد (حسینی عاملی، ۱۳۸۳، ص. ۸۸). این گونه از اقدامات، غنای روزافزون کتابخانه را موجب شد. ضمن آن که وقف کتاب تنها به کتب دینی محدود نشد و سایر موضوعات بسان پزشکی و ادبیات و تاریخ، رویه کتابخانه را در

فراهم‌آوری و تشکیل مجموعه تغییر داد؛ ویژگی که تا روزگار ما ادامه یافته و کتابخانه آستان قدس رضوی (ع) را بسان یک کتابخانه عمومی بزرگ درآورده است.

نتیجه‌گیری

بیش از دو قرن حکومت صفویان بر سرزمین ایران به درازا کشید. این دوره از ابعاد مختلف بر زندگی، روزگار و سرنوشت جامعه ایرانیان و فرهنگ و هنر و تمدن ایشان تأثیرات عمیقی بر جای نهاد. کتابخانه‌ها نیز در این مقطع تاریخی دچار فراز و نشیب محسوسی شدند که امروز با بهره‌گیری از آگاهی‌های مندرج در متون دست اول و همچنین نسخه‌های خطی بر جای مانده، نگاره‌های موجود، وقفنامه‌ها، یادداشت‌های تملیک و اسناد مکتوب؛ می‌توان به تصویری از نقش و کارکرد آن‌ها دست یافت.

در پژوهش حاضر و به کمک منابع فوق به تبیین دو ویژگی و دو گونه رویکرد در کتابخانه‌های عصر صفوی پرداخته شد: نخست، تداوم کارکرد و نقش کتابخانه‌ها بسان دوره گذشته بود. در این رویکرد که در امتداد نقش و عملکرد کتابخانه‌های قرن نهم هجری و خصوصاً کتابخانه‌های تیموری در هرات بود و عمدتاً به نیمه نخست حکومت صفویان تعلق دارد، وظیفه اصلی کتابخانه‌ها، آفرینش نسخه‌های خطی نفیس با بهره‌گیری از سرآمدان عرصه‌های نگارگری و خوشنویسی و کتاب‌آرایی بود. این رویکرد در نهایت به پیدایش و تکامل سبک‌های هنری شاخصی چون مکتب تبریز و قزوین منجر شد.

رویکرد دوم، توجه به کتابخانه‌ها در مقام حفظ و نگهداری آثار مکتوب علما و فقهای شیعه بود که تحولی محسوس در نقش و عملکرد کتابخانه‌های مهم این دوره به شمار می‌آید. علاوه بر اقتضای زمانه و نیاز حکومت صفویان به کسب مشروعیت و تبیین اصول فقهی مذهب تشیع با بهره‌گیری از کتاب‌ها و رساله‌های پدیدآمده، اعم از تألیف و ترجمه و خلاصه و بازنویسی، عامل دیگری نیز مطرح شد که عبارت بود از: نگاه منفی منبعث از برخی تفکرات فقهی به مقوله نگارگری که به طور مشخص سبب شد شاه طهماسب کارگاه هنری باشکوه و مجهز کتابخانه سلطنتی را در دربار خود در قزوین تعطیل کند. تغییر پایتخت از قزوین به اصفهان نیز در بستری متأثر از این تحولات شکل گرفت. شاه عباس در اصفهان به تأسیس کتابخانه شاهی همت گمارد که در مجموعه ابنیه موسوم به دولتخانه واقع شده بود. علاوه بر آن، او و عالم بزرگ معاصرش، شیخ بهایی با بهره‌گیری از سنت وقف، رونق فزاینده‌ای به کتابخانه‌های بقاع متبرکه بخشیدند که به طور خاص باید به مجموعه‌های مهم وقف شده بر بقعه شیخ صفی در اردبیل و کتابخانه آستان مقدس رضوی (ع) در مشهد اشاره کرد. با وجود تنوع آثاری که خصوصاً در ادوار بعدی بر مجموعه‌سازی کتابخانه آستان رضوی (ع) تأثیرگذار بود، عمده آثار موجود در آن مکان و سایر کتابخانه‌های دوره دوم صفوی به متون دینی و فقهی اختصاص داشت که عموماً در کتابخانه‌های مدارس، مساجد، بقاع متبرکه و یا در مجموعه‌های شخصی نگهداری می‌شد.

سپاسگزاری

نگارندگان بر خود فرض می‌دانند از مسئولان محترم بخش نسخ خطی در کتابخانه و موزه ملی ملک و همچنین کتابخانه آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) که تصاویر مورد نیاز این پژوهش را در اختیار گذاشتند، تشکر و قدردانی به عمل آورند.

منابع

- ابی صعب، روال جوردی (۱۳۹۵). *تغییر مذهب در ایران: دین و قدرت در ایران عصر صفوی*. ترجمه منصور صفتگل. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- اسکندر منشی (۱۳۸۲). *تاریخ عالم‌آرای عباسی*. تصحیح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- افندی، عبدالله (۱۳۶۳). *ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضائل*. تصحیح سید احمد حسینی اشکوری. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- بابایی، سوسن (۱۳۹۸). *اصفهان و کاخ‌هایش*. ترجمه مصطفی امیری. تهران: فرهنگ جاوید.
- بی‌نام (۱۳۸۰). *تاریخ ایران*. پژوهش دانشگاه کمبریج. جلد ۶: صفویان. ترجمه یعقوب آژند. تهران: جامی.
- حسینی عاملی، محمدشفیع (۱۳۸۳). *مخالف المومنین فی ذیل مجالس المومنین*. تصحیح منصور جغتایی. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۷). *نسخه‌های مهاجر: پژوهشی درباره انتقال کتاب‌های کهن شیعی از سرزمین‌های عربی به ایران در آغاز دوره صفوی*. *آیین پژوهش*، ۵۱، ۲-۱۲.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۰). *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- رحمتی، محمدکاظم (۱۳۹۶). *احوال و آثار بهالدین عاملی معروف به شیخ بهایی*. قم: مؤسسه کتابشناسی شیعه.
- روملو، حسن (۱۳۸۴). *احسن‌التواریخ*. تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: اساطیر.
- فضل‌الله، رشیدالدین (۱۳۵۰). *وقفنامه ربع رشیدی*. تصحیح مجتبی مینوی، ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی.
- شمس فخری، محمدبن سعید (بی‌تا). *معیار جمالی و مفتاح ابوالسحاقی*. نسخه خطی ۴۹۱ کتابخانه آستان حضرت عبدالعظیم (ع).
- طوسی، محمدبن حسن (بی‌تا). *تهذیب‌الحکام*. نسخه خطی شماره ۹۷۹ کتابخانه و موزه ملی ملک.
- منجم یزدی، جلال‌الدین محمد (۱۳۶۶). *تاریخ عباسی یا روزنامه مال جلال*. تصحیح سیف‌الله وحیدنیا. تهران: وحید.
- منشی قمی، احمدبن حسین (۱۳۹۴). *خالصه‌التواریخ*. تصحیح احسان اشراقی. تهران: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ.
- نورمحمدی، مهدی (۱۳۹۴). *عماد ملک خط: زندگی و آثار میرعماد سینی قزوینی*. تهران: نشر علمی.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۴۴). *معجم‌البلدان*. تهران: اسدی.

References

- Abi sa`b, R. J. (2015). *Converting Persia: Religion and power in the Safavid empire*. translator: M. Sefatgol, Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought.
- Babaie, S. (2018). *Isfahan and its Palaces*. translator: M. Amiri, Tehran: Farhang Javid. (in Persian)
- Derayati, M. (2019). *Catalogues of Iranian Manuscripts*. Tehran: National Library and Archives of Islamic Republic of Iran. (in Persian)
- Efandi, A. (1983). *Riaz al-Ulama va Hayaz al-Fozala*, ed. Hosseini Eshkevari, S. A. Qom: Library of Ayatollah Mar`ashi.
- Eskandar Munshi, E. (2002). *History of Alam Aray-e Abbasi*. Edited by: I. Afshar, Tehran: Amirkabir. (in Persian)
- Gholsorkhi, S. (1995). *Pari Khan Khanum: A Masterful Safavid Princess*. *Iranian Studies*, 28, 143-156. (in Persian)
- History of Iran. (2000). *Research of Cambridge University, Safavids*. translator: Y. Azhand, Tehran: Jami. (in Persian)
- Hosseini Amoli, M. S. (2003). *Mahafel Al-Momenin fi Zeil Majles Al-Momenin*. Edited by: M. Joghataei. Mashhad: Astane Qods Razavi, Institue of Islamic Researches. (in Persian)

- Jafarian, R. (1997). Immigrant Manuscripts: A Research About Transformed Shiite Books from Arab Lands to Iran in the Beginning of Safavid Period. *Aineh Pazhoresh*, 51, 2-12. (in Persian)
- Melville, C. (2011). *The illustration of history in Safavid manuscript painting*. In *New Perspectives on Safavid Iran, Empire and society*. Edited by: P. Mitchell. London: Routledge, 163 – 197.
- Monajjem-e-Yazdi, J. M. (1986). *History of Abbasi or Diaries of Mulla Jalal*. Edited by: S. Vahidnia. Tehran: Vahid.
- Munshi Qomi, A. H. (2014). *Khulasato al-Tawarikh*. Edited by: E. Eshraghi, Tehran: University of Tehran, Moasseseye Entesharat Va Chap. (in Persian)
- Nourmohammadi, M. (2014). *Emad-e Mulk-e Khat: Life and Works of Mir Emad Seifi Hassani Qazvini*. Tehran: Elmi Publication. (in Persian)
- Rahmati, M. K. (2016). *Life and Works of Bahaeddin Ameli*, Entitled Sheikh Bahaei. Qom: Institute of Shiite Bibliography. (in Persian)
- Rashid al-din Fazlullah, R. (1970). *Vaghfnameh Rab-e Rashidi*, Edited by: M. Minowi, & I. Afshar. Tehran: Anjoman-e Asar-e Melli.
- Rumlu, H. (2004). *Ahsan Al-Tawarikh*. Edited by: A. Navaei, Tehran: Asatir. (in Persian)
- Shams Fakhri, M. S. (nd). *Meyar-e-Jamali and Meftah Abu Eshaghi*. Manuscript No. 491. Library of Astan-e-Hazrate Abdulazim. (in Persian)
- Tousi, M. H. (nd). *Tahzib Al-Ahkam*. Manuscript No.979. National Museum and Library of Malek.
- Yaqut Al-Hamawi, Y. A. (1964). *Mu`jam Al-Buldan*. Tehran: Asadi. (in Persian)